

# فرار مثلثی در چهار ضلع

## نگاهی نو به تربیت و روش‌های تربیتی

فریده نورمحمدی

گرفته است به چالش بکشد و بگوید که دانش‌آموزان می‌توانند ساده و راحت فکر کنند اگر به آن‌ها سخت نگیریم و زیاد برایشان تعیین تکلیف نکنیم. بلکه بگذاریم خودشان، در فرایندی طبیعی، با انگیزه‌های خدادادی، فطری و درونی به دنبال علاقه‌هایشان بروند. در آن صورت فکر کردن و درس خواندن ساده‌ترین کار برای آن‌ها خواهد بود و کنکور هم برای آن‌ها می‌تواند فیلتری نه‌چندان دشوار برای عبور باشد.

همان‌گونه که از نام فیلم (فرار مثلثی در چهار ضلع) پیداست این فیلم نظم نوینی را در تربیت پیشنهاد می‌کند. در ضلع اول یاسمن سعیدی نفر اول کنکور ریاضی صحبت می‌کند و می‌گوید قبل از اینکه با کتاب درسی ارتباط برقرار کند با کتاب‌های داستانی پیوندی صمیمانه و ناگسستگی داشته است. آنچه از حرف‌های این نفر اول کنکور ریاضی به‌دست می‌آید علاقه به خواندن و آزادی عمل است که او را به فردی نقاد و در عین حال خیال‌پرداز بدل کرده است و همین عوامل فهم دشوارترین مسائل را برای او سهل و آسان نموده است. با همه این‌ها او به زندگی نگاهی ساده، روان و بی‌تکلف دارد.

لذت زندگی یاسمن سعیدی را در آرامش خیال، ذهن پویا، برق چشمانش و عروسک‌های مختلف که در میان قفسه کتاب‌هایش جا خوش کرده‌اند، و او هنوز با آن‌ها کودکی و خیال‌پردازی می‌کند، می‌شود حس کرد. تخیلاتش به او این جسارت را داده است که در عالم خیال هم که شده به گذشته برود و اندیشه فیثاغورث را به چالش بکشد. سعیدی موفقیت خود را مدیون زمان‌ها و کتاب‌های تخیلی که خوانده است می‌داند. او نویسنده‌گی و کارگردانی تئاتر تخیلی «فرار مثلثی» را به عنوان یک کار دانش‌آموزی و سرگرم‌کننده در دوران دبیرستان تجربه کرده است و آن را برای خود کمتر از رتبه یک کنکور ریاضی نمی‌داند. البته این هم الهام گرفته از همان زمان‌هایی است که خواننده است و در آن فیثاغورث، سخت‌اندیش‌ترین ریاضی‌دان را نقد می‌کند و می‌خواهد به او و همه بزرگان بگوید چرا دیدگاه‌های ساده‌تری برای فکر کردن خلق نکرده‌اند؟ فکر می‌کند چه می‌شد اگر همه شکل‌ها دایره می‌شدند؟

در یازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی تربیتی رشد فیلمی مستند با عنوان «فرار مثلثی در چهار ضلع» با کارگردانی آقای امین قدمی به نمایش گذاشته شد. که براساس نظرسنجی به عمل آمده مورد توجه اهالی فرهنگ حاضر در مراسم اختتامیه قرار گرفت و نمره بالایی را در نظرسنجی مراسم پایانی به خود اختصاص داد. (۸۸/۴ از ۱۰۰)

ابتدا بهتر است با طرح یک سؤال شروع کنم. «یاسمن سعیدی» نفر اول این فیلم، که رفتارها و باورهایش بر کل فیلم سایه انداخته است چگونه ضمن خواندن کتاب‌هایی متعدد، با دیدگاه‌های متفاوت، توانسته است با هنجارهای جامعه خود خیلی راحت کنار بیاید. آن هم اینقدر ساده و آسان؟ او چگونه در کنار کتاب‌های فراوان غیر آموزشی که می‌خواند، این همه موفقیت‌های تحصیلی و تجارب ارزنده کسب کرده است؟

### ضلع اول

در این فیلم با رویکردی خلاقانه، نگاهی نو به دور از چارچوب‌های کهنه و تکراری به بررسی نقش کتاب‌های غیردرسی در پیشرفت تحصیلی و برانگیختن انگیزه درونی دانش‌آموزان برای درک عمیق‌تر کتاب‌های درسی و مباحث مدرسه‌ای پرداخته است. در این مستند آموزشی تلاش شده است تا فعالیت‌های آموزشی که در نظام تربیتی ما به غولی به نام کنکور تبدیل شده است و لذت زندگی و حس زیبای اندیشیدن و خلق کردن و عمل کردن از فرزندان ما را



و چه می‌شود اگر همه فکرهای گذشته را دور بریزیم و از اول فکر کنیم؟ فکر کنید پالتو پوست پشت ویتزین فلان فروشگاه، پوست پلنگی است که زمانی در دشت‌های دور می‌دویده است. حال فرض کنید ما به گذشته بازگشته‌ایم و این پلنگ در دیدرس ماست. حالا آیا می‌خواهیم این پلنگ تیزپا را به اسارت این ویتزین‌های رنگی در قالب پوستین درآوریم تا خانمی از پوشیدن آن لذت برد و یا ترجیح می‌دهید پلنگ همچنان آزاد و رها در دامن طبیعت یکه تازی کند. البته تصمیم با ماست و اینجا رفتارهای خلاقانه رقم می‌خورد.

پیام اصلی این مستند را می‌توان «ساده فکر کردن» دانست، که قبلاً در دبیرستان، یاسمن سعیدی در تئاتر «فرار مثلثی» هم به‌عنوان یک خیال به آن پرداخته بوده است. او به این می‌اندیشد چه می‌شود اگر ساده فکر کنیم؟ و شاید بینندگان این فیلم بگویند چه می‌شود اگر ساده زندگی کنیم و ساده تربیت کنیم؟ اصلاً خودمان باشیم نه آن‌گونه که ما را بار آورده‌اند.

## ضلع دوم

اتفاقاً در این فیلم در میان گزارش‌ها کتاب «فضیلت ناپادگیری» را نشان می‌دهد. چگونه یاد بگیریم؟ کتابی که تلنگری به ذهن‌های بسته و کلیشه‌ای می‌زند.

اصلاً می‌شود بنای دوباره‌ای ساخت از آنچه تا به حال بوده‌ایم. چگونه می‌توانیم خودمان باشیم و با تکیه بر یافته‌های خود فردیت و یگانگی خود را رقم بزنیم؟ اینجا ضلع دوم همان مثلث است که از دیدگاه دکتر عبدالعظیم کریمی موضوع تربیت با همان زاویه رفتاری یاسمن سعیدی مورد بررسی قرار می‌گیرد که برای ریاضی‌دان شدن، دانش‌آموزان لازم نیست حتماً کلاس‌های مختلف ریاضی بروند یا کتاب‌های متعدد ریاضی بخوانند. آنچه مهم است توسعه و عمق بخشیدن به میدان ذهنی و حتی تخیلات فرد است که ممکن است این امر از طریق رمان خواندن یا بازی کردن و رهایی ذهن و فکر انجام شود تا فکر در این فرایند ورزیده شود و آن‌گاه هر علمی را، اعم از ریاضی، ادبیات و هنر و غیره و ذالک، می‌تواند نه تنها بفهمد و به کار ببرد بلکه خود راه‌های تازه‌ای را در کشف علوم بگشاید. این چیزی است که در گذشته دانشمندانی که مکتب و مدرسه رسمی و برنامه‌ریزی شده‌ای نداشتند به آن دست یافتند، اما ما علی‌رغم پیشرفت امکانات فناورانه‌ای که در اختیار داریم به اندازه آن‌ها خلاقیت و نوآوری در علوم نداریم. تربیت مدرسه‌ای، به نسبت امکاناتی که دارد چند نفر مثل مولانا و فردوسی و حافظ و ابوعلی سینا و خواجه نصیرالدین طوسی و امثالهم به جامعه ارزانی کرده است؟ باید اشکال در جایی باشد که به آن دست پیدا نکرده‌ایم. شاید فرصت رهایی ذهن و آزادی کشف برای کودک در چارچوب مدرسه فراهم نباشد. راستی چرا و چگونه همه کشفیات بشر در اوقات فراغت، یعنی در ایام رها و آزاد بودن فرد از دغدغه یادگیری و پرداختن به علائق فردی صورت گرفته است؟ مثلاً نیوتن در زیر درخت با آرامش و رهایی از دغدغه یادگیری جاذبه زمین را کشف می‌کند و بسیاری دیگر از اکتشافات بشر نیز به همین گونه بوده است. به قول عبدالعظیم کریمی، شاید آموزش رسمی و تربیت مدرسه‌ای قفلی باشد بر ذهن کودک!

## ضلع سوم

و اما ضلع سوم خانواده است که با دغدغه رقابت، تست‌زدن، کنکور و نهایتاً کسب مدرک، خانه را به زندان دیگری برای دانش‌آموز تبدیل کرده است. معلم آگاه فیزیک خانم رهبر اسکندری در این فیلم از خانواده‌ها می‌خواهد که در نحوه آموزش فرزندان خود دخالت نکنند و دست از سر آن‌ها بردارند.

مجموعاً به نظر نگارنده، فیلم می‌خواهد بگوید زندگی خیلی ساده‌تر از این فرمی است که برای خود و فرزندانمان درست کرده‌ایم. دست از بچه‌ها در زمینه چگونه خواندن و چه چیزی خواندن برداریم. با بکن نکن، ذهن پویا و فطرت جست‌وجوگر

آن‌ها را برای یادگیری طبیعی نبندیم. اگر ما از بچه‌ها فقط چارچوب کتاب درسی را نخواهیم و کتاب درسی را وحی منزل ندانیم آن‌ها به‌صورت طبیعی همواره میل فطری به یادگیری و کنجکاوی را خواهند داشت منتها علاقه و استعداد آن‌ها ممکن است در موضوعات مختلف متفاوت باشد و استعدادهای آن‌ها گاه به نیازهای مدرسه که می‌خواهد همه را مثل ماشین یک فرم کند پاسخ ندهد. وقتی قرار است همه طبق قانون مدرسه کتاب‌های خاصی را بخوانند و نمره قبولی یا بالاتر از آن کسب کنند. آن کسی که استعدادش در قالب کتاب درسی نیست زیر پا له می‌شود و ممکن است تا ابد داغ کودن بودن و خنگ بودن بر پیشانی‌اش بخورد، در حالی که چه بسا در خارج از این چارچوب، او حتی نبوغ هم داشته باشد. شاهد این مدعا کسانی هستند که بدون هیچ‌گونه تحصیلات رسمی یا غیررسمی و گاه ناتوانی در ادامه تحصیل در فعالیت‌های آزاد بازار و تجارت کرور کرور درآمد دارند.

## ضلع چهارم

ضلع چهارم، در این فیلم، دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت اعم از برنامه‌ریزان، کارشناسان، مدیران، معلمان، خانواده‌ها، نویسندگان و ناشران آموزشی هستند.

ما دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، که ضلع چهارم و نقطه شروع خلاقیت در این مثلث چهار ضلعی هستیم، می‌توانیم کاری را که تا به حال نکرده‌ایم و نشده است انجام دهیم. می‌توانیم تغییر دهیم همان‌گونه که مثلث به جای سه ضلع می‌توانست چهار ضلع داشته باشد. حال ما چگونه می‌خواهیم ضلع چهارم این مثلث را خلاقانه ترسیم کنیم؟ پیشنهاد شما چیست؟ راستی شما هم اگر به سهم خود نقشی در پیچیده فکر کردن برای تعلیم و تربیت داشته باشید برای ساده اندیشیدن چه خواهید کرد؟ «اصلاً این فیلم را به عقب برگردان؛ آن قدر که پالتو پوست پشت ویتزین پلنگی شود که می‌دود در دشت‌های دور، این قدر که عصاها پیاده به جنگل برگردند. ...»

آنچه مهم است توسعه و عمق بخشیدن به میدان ذهنی و حتی تخیلات فرد است که ممکن است این امر از طریق رمان خواندن یا بازی کردن و رهایی ذهن و فکر انجام شود تا فکر در این فرایند ورزیده شود و آن‌گاه هر علمی را، اعم از ریاضی، ادبیات و هنر و غیره و ذالک، می‌تواند نه تنها بفهمد و به کار ببرد بلکه خود راه‌های تازه‌ای را در کشف علوم بگشاید. این چیزی است که در گذشته دانشمندانی که مکتب و مدرسه رسمی و برنامه‌ریزی شده‌ای نداشتند به آن دست یافتند